

سکولاریسم در اندیشه اجتماعی فتح الله گولن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

الهام سادات مقدسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

مهدی حسین زاده یزدی^۲

چکیده

این پژوهش می‌کوشد، پیوند اسلام و مدرنیته را در اندیشه گولن ذیل سه حوزه سیاست، اقتصاد و آموزش دنبال کند و با بررسی مبانی فکری گولن دریابد که آیا این پیوند با حفظ ماهیت اسلام اصیل صورت می‌گیرد یا حاصل آن اسلامی سکولار خواهد بود؟ مقاله حاضر با روش اکتشافی -توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است: اسلام و مدرنیته در اندیشه فتح الله گولن چگونه پیوند می‌خورند؟ مهم‌ترین نتایج حاصل از بررسی اندیشه او و مبانی فکری فتح الله گولن را می‌توان این گونه برشمرد: او با مخالفت با اسلام سیاسی و تطبیق مفهوم شورای اسلامی با دموکراسی غربی بدون توجه به ریشه‌های فکری این دو، راه را برای تشکیل دولت سکولار هموار می‌سازد و با افزودن احکام اسلامی خمس و زکات و اتفاق به سرمایه‌داری می‌خواهد وجهی اسلامی به اقتصاد سرمایه‌داری بدهد. در نقد اندیشه او می‌توان بر این نکات تاکید کرد: وی به دلیل نپذیرفتن تاسیس دولت اسلامی، قواعد اقتصادی اسلام را تنها در حد گزاره‌های اخلاقی معطوف به عدالت توزیعی باقی می‌گذارد؛ بنابراین، پیوندی ناقص و ناموزون از اقتصاد و مذهب را به نمایش می‌گذارد. در موضوع آموزش نیز مجدداً به دلیل خلاء دولت اسلامی، با وجود تأیید اتحاد علم و دین در اندیشه او و توصیه به تولید علم دینی، سیستم آموزشی به خاطر وابستگی به قدرت دولت سکولار، قادر به تولید محتوای آموزشی بومی شده با هویت اسلامی نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سکولاریسم، سرمایه‌داری اسلامی، آموزش سکولار، دموکراسی اسلامی، اسلام سکولار.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران رشته دانش اجتماعی مسلمین (نویسنده مسئول): Moghadasi.e.s@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: Ma.hoseinzadeh@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

متفکران اسلامی در قبال معارضه اسلام و مدرنیته رویکردهای مختلفی را در پیش گرفته و جریان‌های گوناگونی در جهان اسلام به وجود آورده‌اند. در این میان، جریان اسلام‌گرایی ترکیه تاریخ متفاوت خود را از درون سکولاریسم افراطی آتاتورکی می‌سازد. فتح اله گولن، سردمدار جریان غالب اسلام‌گرایی در ترکیه، با درک تجربه تاریخی اسلام در ترکیه مدرن و فراز و نشیب‌هایی که طی حاکمیت لانیسته از زمان جمهوری به این سو گذرانده، شیوه‌ای عملگرایانه در پیوند میان اسلام و مدرنیته اتخاذ می‌کند و از اسلام مدنی در برابر لانیسته تندروری ترکی دفاع می‌کند. منطق عملگرایی اسلامی در اندیشه گولن به نحوی ایفای نقش می‌کند که کم‌ترین تنش و تقابل را با حاکمیت سکولار ترکیه پیدا کند. این پژوهش، تلاشی است برای فهم اندیشه اجتماعی فتح اله گولن در چگونگی پیوند میان اسلام و مدرنیته و بر آن است تا سهمی در بررسی اندیشه متفکران مسلمان ترک داشته باشد.

این مهم، با پیگیری نظریات او در سه حوزه سیاست، اقتصاد و آموزش به دلیل میزان توجه و تمرکز آثار فتح اله گولن بر این سه حوزه و همچنین اهمیت و تاثیرگذاری اجتماعی آن‌ها دنبال می‌شود. بر این اساس، در حوزه سیاست نسبت اسلام و لیبرال دموکراسی، نسبت اسلام و جمهوری و رویکرد گولن به اسلام‌گرایی سیاسی بررسی می‌شود. پس از آن بخشی به سرمایه‌داری اسلامی در تبیین چگونگی سنتز کاپیتالیسم و مذهب در اندیشه فتح اله گولن اختصاص داده می‌شود. در حوزه آموزش نحوه تلفیق علم مدرن و اخلاق اسلامی در سیستم آموزش سکولار بررسی می‌شود. در آخر نیز رویکرد او به توافق یا اختلاف میان علم و دین و مبانی فکری او در این زمینه مورد تامل و نقد قرار می‌گیرد.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

این پژوهش می‌خواهد نحوه پیوند اسلام و مدرنیته را در اندیشه اجتماعی فتح اله گولن بررسی نماید و به این سوال پاسخ دهد که چگونه گولن می‌خواهد میان اسلام و مدرنیته پیوند برقرار سازد؟ به منظور شفافیت بیشتر و بررسی دقیق این پیوند در اندیشه گولن، پرسش‌های دیگری ذیل پرسش اصلی مطرح می‌شوند:

- چه نسبتی میان اسلام و لیبرال دموکراسی در اندیشه گولن وجود دارد؟
- سرمایه‌داری و مذهب چگونه در اندیشه گولن به هم پیوند می‌خورند؟

چه نسبتی میان علم مدرن یا آموزش سکولار و دین در اندیشه گولن برقرار است؟

پیشینه تحقیق

پس از جستجو در بانک‌های اطلاعاتی فارسی‌زبان دریافتیم، تحقیقاتی در قالب پایان‌نامه و مقالات متناسب با ابعاد مختلف فکری و عملی فتح الله گولن و غالباً با رویکرد علوم سیاسی انجام شده است. پژوهش‌های انگلیسی، حوزه‌ها و رویکردهای بیشتری را در برمی‌گیرد. در ادامه چندی از موارد تحقیقاتی به طور مختصر بیان می‌شود تا وجه تمایز آن‌ها با پژوهش حاضر برای مخاطب روشن گردد.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «تفکرات سیاسی-اجتماعی فتح الله گولن و تاثیر آن بر جریان‌های اسلام‌گرایی ترکیه با تاکید بر حزب عدالت و توسعه» به قلم امین طالبی، بر تاثیرات سیاسی حزب عدالت و توسعه از تفکرات و اندیشه سیاسی فتح الله گولن متمرکز گشته است. محقق به دنبال تایید یا رد فرضیه خود به بررسی این مسئله می‌پردازد که حزب عدالت و توسعه برای حل مسائل داخلی خود از جمله برداشت‌هایی که از اسلام لیبرالی و میانه رو دارد و دادگاه و قانون اساسی و همین طور در برخورد با ارتش از تفکرات و اندیشه‌های فتح الله گولن به عنوان رهبر معنوی حزب در زمان شکل‌گیری حزب و قدرت گرفتن آن بهره برده است. محقق در نهایت به این نتیجه می‌رسد که با گذر زمان، حزب عدالت و توسعه با به قدرت رسیدن و به دست آوردن حمایت و توجه افکار عمومی تاثیرات خود را از جنبش خدمت و اندیشه‌ها و حمایت‌های فتح الله گولن از دست می‌دهد و هر دو جریان مسیری جدا از هم برای پیشبرد مقاصدشان پیش می‌گیرند.

پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «رابطه اسلام و دموکراسی در اندیشه فتح الله گولن و مهدی بازرگان» توسط حمیدرضا مطلبی به مقایسه اندیشه‌ها و شاخص‌های فکری این دو متفکر می‌پردازد. در این پژوهش، پژوهشگر دیدگاه فتح الله گولن و مهدی بازرگان را درباره نظم سیاسی و مرجع اعمال حاکمیت سیاسی، محدودیت‌های اعمال حاکمیت سیاسی و چارچوب حق اعتراض سیاسی بررسی می‌کند. موضوعات مورد بررسی نویسنده تنها بخشی از دغدغه مقاله حاضر است که با رویکردی متفاوت به آن‌ها پرداخته شده است. در پیشینه انگلیسی، کتابی توسط صالح چینگیلی اوغلو تحت عنوان «جنبش گولن، تغییر اجتماعی،

دگرگونی» نگاشته شده و از منظر دگرگونی اجتماعی به واسطه تحصیلات بزرگسالان به بررسی جنبش گولن می‌پردازد. این اثر بر زمینه ملی و جهانی ظهور جنبش اجتماعی اسلامی، تاریخچه جنبش‌های اجتماعی-اسلامی ترکی با جزئیات، کشف جنبش گولن در رهبری فتح الله گولن، ایدئولوژی و دیدگاهش در مورد

تحصیلات، گفتمان‌ش و انتقاداتی که به آن وارد است، ساخت سنتز مفهومی تحصیلات بزرگسالان، جنبش‌های اجتماعی و جنبش گولن متمرکز شده است.

در موضوع فلسفه تعلیم و تربیتی گولن، مقاله‌ای با عنوان «فتح الله گولن: نگاهی به آموزش متعالی» اثر چارلز نلسون به کاوش در یافته‌های تحقیقات آموزشی و نوشته‌های گولن می‌پردازد، که به ملاحظات و نتیجه‌گیری‌های عملی در مجموعه آمریکا و حداقل برنامه درسی دریافت کنندگان آموزش ملهم از گولن منجر می‌گردد. نلسون پس از آنکه وضعیت آموزشی در آمریکا را نقد و به چالش می‌کشد، بر این باور است که نظام آموزشی آمریکا با کوتاه‌نگری هدف از یادگیری را در جهان بینی ماتریالیستی خلاصه می‌کند. او به جنبشی اشاره می‌کند که می‌تواند در حل بحران اخلاقی آمریکا که از سیستم آموزشی نشات می‌گیرد، کمک کند. به عقیده نویسنده، جنبش گولن می‌تواند ارزش‌هایی را بدون ارجاع به دین به دانش آموزان تزریق کند. او با ارجاع به گفتمان گولن اظهار می‌دارد، پیامدهای علم مدرن، زمانی حل خواهند شد که واقعیت‌های مادی و معنوی آشتی کنند و در این صورت، فهم و هارمونی غالب خواهد شد. او سپس به شرح مفصل‌تری از مفاهیم صوفی گولن و کاربرد آن‌ها در سیستم تعلیم و تربیت می‌پردازد و آن را در حل بحران اخلاقی نظام آموزشی جامعه خود مفید و قابل الگوبرداری معرفی می‌کند.

دسته پژوهش‌های انجام شده، بیش از این‌هاست. در مجموع باید گفت بستر موضوعی و پرسشی که هر یک از محققان از منظر آن به کار پژوهشی در حوزه اندیشه گولن مشغول گشته اند، متمایز از تحقیق حاضر است؛ بنابراین، به یافته‌ها و نتایج متمایز نیز منجر گشته است.

مفاهیم

در این بخش، به تبیین مفاهیم اصلی این پژوهش می‌پردازیم. از آنجا که برداشت متفکران مسلمان از این مفاهیم در این بحث اهمیت دارد، در تبیین این منابع، بیشتر از آثار آنان کمک می‌گیریم.

الف. سکولاریسم

سکولاریسم به معنای جدایی دو حوزه دین و سیاست است، بدین معنا که هر یک حوزه و قلمروی جداگانه‌ای دارد و هیچ یک نباید در قلمروی دیگری دخالت کند. بر این اساس، دین مربوط به رابطه انسان با خدا و سیاست مربوط به تدبیر امور جامعه می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱۵). از منظر سیر تطوری،

سکولاریسم، مفهومی با خاستگاه غربی است که ابتدا به شکل فرایند سکولاریزاسیون ظهور می‌کند و رفته رفته به صورت ایدئولوژی رسمی در می‌آید (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ۲۲)؛ به عبارت دیگر و به طور کلی می‌توان گفت، سکولاریسم به معنای جداانگاری دین از سیاست و دنیاست که به لحاظ تاریخی، در ابتدا به شکل مسیحیت‌زدایی نمایان شد و سپس با هرگونه حضور دین در عرصه اجتماع به مخالفت برخاست (جوان آراسته، ۱۳۷۹، ۴۲).

ب. دموکراسی

دموکراسی در واقع، سازوکاری برای تاثیرگذاری بر حکومت‌ها در حق بهره‌بری از امتیازات قدرت دولت‌ها (تهدید زور، وضع مقررات و باز توزیع ثروت) به نفع مردم است که رای دادن بارزترین و بدیهی‌ترین بعد آن شناخته می‌شود. این، ادراکی است که مردم از دموکراسی دارند (نش، ۱۳۹۹، ۲۱۷). به علاوه، روش‌های انتخاب نامزدها درون احزاب، عدم فساد میان نمایندگان مجلس و تفکیک قوا به سه حوزه قضائیه، مقننه و مجریه از مسائلی است که در مورد روند عملی دموکراسی انتظار می‌رود (همان، ۲۱۸). وقتی از دموکراسی و جدایی دین از سیاست سخن می‌رود، منظور نفی دین در اجتماع نیست؛ بلکه دین تنها از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی و حضور در مقام اجرای قانون منع می‌شود. این بدان معناست که حتی اگر مردم نیز بخواهند تا دین در شئون سیاسی یا اجتماعی دخالت کند، حکومت‌ها این اجازه را نخواهند داد. از این منظر، دموکراسی با رژیم لائیک و سکولار برابر و سکولاریسم از شرایط دموکراسی محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱۷۵).

ج. سرمایه‌داری

«نظام کسب و کار اقتصادی که مبتنی بر مبادله بازاری است. سرمایه به معنای هر دارایی و مایملکی مثل پول، مستغلات و ماشین آلات است که می‌توان از آن برای تولید کالاهایی برای فروش یا سرمایه‌گذاری در بازار به امید کسب سود، استفاده کرد. تقریباً همه جوامع صنعتی امروزی به لحاظ جهت‌گیری اقتصادی شان سرمایه‌داری اند _ نظام اقتصادی آن‌ها مبتنی بر تجارت آزاد و رقابت اقتصادی است» (گیدنز، ۱۳۸۸، ۹۸۷).

شومپتر سه ویژگی برای نظام سرمایه‌داری بر می‌شمرد: اول آنکه مالکیت خصوصی در آن آزاد و محترم

است؛ بنابراین، افراد از آزادی انتخاب اقتصادی برخوردارند. دولت نیز، حق دخالت در سیستم بازار را ندارد که پیامد آن توزیع غیر عادلانه درآمدها می‌شود. دوم آنکه، ساختار نظام سرمایه‌داری مدنظر شومپتر بر انحصار بازار قرار دارد و با نظام سرمایه‌داری رقابتی که اقتصاددانان کلاسیک با آن مواجه بودند، تفاوت دارد. سوم شومپتر نظام سرمایه‌داری را به شکل یک «نظام غیر متشکل یا اصلاح نشده» مربوط به قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌بیند (تفضلی، ۱۳۹۹، ۴۸۶).

د. آموزش و پرورش

مفهوم «آموزش و پرورش» معمولاً در کنار یکدیگر به کار می‌روند و دو معنا را در بر می‌گیرند. یک معنا تربیت یا پرورش صفات نیک و مطلوب و معنای دیگر آموزش عمومی یا افزایش سطح اطلاعات و دانسته‌ها در مقیاس ملی را در نظر دارد. مقصود از پرورش، فراگیری قواعد رفتار اجتماعی و اجتماعی شدن کودک و مقصود از آموزش فراگیری علوم و فنون و انتقال فرهنگ همراه با ابداع و نوآوری و تضمین تحرک اجتماعی نظارت شده است که به آموزش و پرورش وابسته است (توسلی، ۱۳۹۸، ۱۶). این مفهوم، گاهی با عنوان تعلیم و تربیت تعبیر می‌شود.

روش تحقیق

روش‌ها از منظرهای مختلف دسته‌بندی می‌شوند و هر یک ناظر به بعدی از ابعاد تحقیق هستند. پژوهش حاضر روش کتابخانه‌ای را به منظور گردآوری اطلاعات برگزیده است. این تحقیق از بعد ماهیت در دسته اکتشافی -توصیفی و از بعد غایت مورد نظر، در دسته بنیادین نظری قرار می‌گیرد. همچنین به لحاظ تکنیکی و با توجه به کیفی بودن جنس داده‌ها، از روش تحلیل محتوا برای گردآوری داده‌ها و به منظور دست‌یابی به اطلاعات و طبقه‌بندی کردن آن‌ها از ابزار فیش برداری استفاده کرده است (جاوید، ۱۳۹۲، ۱۱۰-۸۵).

یافته‌های تحقیق

نسبت اسلام و لیبرال دموکراسی در اندیشه گولن

گولن به عنوان روشنفکری اسلامی که به دنبال تاسیس اسلامی کاربردی برای جامعه مسلمان معاصر است، می‌خواهد میان ارزش‌های اسلامی و مدرن کنونی ارتباط برقرار کند و با استفاده از ارزش‌های مشترک

میان دو گفتمان فکری پلی بزند که کم‌ترین لطمه و تنش را بین دنیای اسلام و دنیای نوین سکولار ایجاد کند و در عین حال اسلام را در ساخت سیاست‌های عمومی یا قوانین اجتماعی فعال و شریک گرداند (Yavuz, ۲۰۱۳، ۱۳۵). او با رویکردی نواندیشانه از جامعه کثرت‌گرایی دفاع می‌کند که اسلام در آن نقش خود را همچون سایر گروه‌ها و دیدگاه‌های فکری و روشنفکری بازی می‌کند و به میزانی که عقاید دیگر حق انتخاب و تصمیم‌گیری برای مصالح و منافع عمومی خود را دارند، اسلام نیز سهمی در این مشارکت دارد.

گولن بنیان سکولاریسم را در دین جستجو می‌کند و می‌خواهد مشروعیت حکومت سکولار را از دین بگیرد. با چنین رویکردی او برخی از مفاهیم قرآنی در رابطه با فرهنگ سیاسی اسلام را به گونه‌ای معنا می‌کند که با ارزش‌های سیاسی غرب همسو شوند. مفهوم شورا و مشورت که خداوند چندین بار در قرآن خطاب به پیامبر امر به رعایت آن می‌کند، یکی از واژگانی است که گولن معنایی خاص از آن برداشت می‌کند.^۱ به طور کلی می‌توان گفت، اسلام‌گرایان مدافع لیبرال دموکراسی از اصل اسلامی شورا برای توجیه عمل به ارزش‌های دموکراتیک بهره می‌برند (موثقی و نیری، ۱۳۸۹، ۴۱). گولن نیز با توسل به همین اصل از دموکراسی غربی حمایت می‌کند و آن را از ارزش‌های مشترک در دو ادبیات اسلامی و مدرن می‌شمارد. در واقع، او مفهوم شورای اسلامی را با مفهوم دموکراسی غربی از حیث لفظی و اصطلاحی مشترک می‌گیرد و بنیان حمایت از دموکراسی را در ارزش‌های اسلامی می‌انگارد. اما آیا شورا در اسلام توان تشریع دارد؟ توجه به این مهم ضروری است که برخلاف نظر گولن، در اسلام تنها ذات خداوند حق تشریع دارد و حتی پیامبر نیز پیام‌آور و مجری دستورات الهی است. به همین سبب، امر شورا یا مشورت نمی‌تواند در عرض شریعت اسلام قرار گیرد (جوان آراسته، ۱۳۷۹، ۷۷). در اسلام صرفاً تا جایی می‌توان از امر شورا پیروی کرد که حوزه مباحات باشد و مرز میان مباحات و الزامات شرعی تعیین‌کننده قلمروی نهایی شورا در اسلام است (همان، ۷۸).

گولن بار دیگر آیه‌ای از قرآن را که بر تأثیر اراده مردم بر سرنوشت شان تأکید دارد، شاهدی بر مدعای خویش می‌گیرد و آن را منطبق بر دموکراسی می‌انگارد. بر این اساس، با بازگشت به اصول قرآنی، توجه به خواسته‌های مردم را اولویت می‌بخشد و هر دیدگاهی را شایسته احترام می‌بیند: خداوند در قرآن تغییر

۱. به منظور مطالعه بیشتر پیرامون قلب و تغییر مفاهیم اسلامی توسط گولن، رجوع شود به مقدسی، الهام سادات؛ حسین زاده یزدی، مهدی. اسلام آناتولی در اندیشه اجتماعی فتح الله گولن. فصل‌نامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، (۱۴۰۲، ۱۳).

وضعیت مردم را بسته به اراده خودشان برای تغییر می‌داند. فهم ما از این آیه، احترام کتاب الهی به افراد، جهان‌بینی‌ها و سبک زندگی افراد است که روح اصلی دموکراسی را شکل می‌دهد؛ بنابراین، کاراکتر اصلی دموکراسی در قرآن دیده می‌شود (Gulen, 2009a, 16). از آنجا که قرائت‌های متنوعی از دموکراسی وجود دارد، تطبیق این آیه از قرآن با مفهوم رایج از دموکراسی را می‌توان با تلاش برای توجیه قرآنی لیبرال دموکراسی یکسان دانست.

در میان مفاهیم اسلامی، «اجتهاد» از این قابلیت برخوردار است تا عرف را در فهم مطابق زمانه از دین دخالت دهد. با این حال، این قابلیت می‌تواند گاه بدون احتیاط برای توجیه و پذیرش قرائت‌های نو به کار رود. در راستای این فهم نو و تساهل‌آمیز از دین، گولن توصیه می‌کند تا به نهادهای سیاسی مدرن که با شرایط ما تطبیق داده می‌شوند، به واسطهٔ اجتهاد یک بعد اسلامی داده شود و در این صورت تئوری‌های سیاسی دینی و سکولار با هم مصالحه و آشتی می‌کنند. بر این اساس، مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون نمی‌تواند ناگزیر معنای غربی‌سازی دهد؛ بلکه می‌تواند امکان تطبیق بسیاری از دستاوردهای دموکراتیک غربی را درون چارچوب اسلامی فراهم کند. فرهنگ حقوقی اسلامی باید این قابلیت را نیز داشته باشد که برای مسائل جهانی نقش مثبت خود را ایفا کند و برای مسائلی همچون جهانی‌سازی، مسائل حقوق بشر و مبارزه با افراط‌گرایی تروریسم بین‌الملل از طریق گفتگوی میان جهان غرب و اسلام، راه حل ارائه دهد (Hunt & Aslandogan, 2007, 130).

گولن در پاسخ به این مسئله که اسلام بر اساس قانون خداست، حال آنکه دموکراسی بر اساس نگرش انسان‌هاست می‌گوید: «این عبارت که حق حاکمیت بدون شرط به ملت تعلق دارد بدان معنا نیست که حق حاکمیت از خداوند گرفته شده و به انسان‌ها داده شده؛ بلکه بالعکس بدان معناست که حق حاکمیت به وسیلهٔ خداوند به انسان‌ها محول شده است (Mercan, 2017, 17). چنین نگرشی به دموکراسی از منظر گولن، به دموکراسی مشروعیت می‌بخشد و بنیانی دینی برای آن قائل می‌شود که معضل تداخل حاکمیت الهی با حاکمیت مردم را به آسانی حل می‌کند، اما او به این موضوع پاسخ نمی‌دهد که اگر مردم خواسته‌هایی برخلاف قوانین الهی داشته باشند، آن گاه بحران مشروعیت پیش نمی‌آید؟!

گولن دموکراسی را مفهومی پهن دامنه می‌انگارد که مفاهیم انسانی و اخلاقی بسیاری را در خود گنجانده است و به عبارتی گنجینه‌ای از فضائل اخلاقی یا ارزش‌های انسانی است؛ بنابراین، تردیدی ندارد که بر مبنای

این ارزش‌های جهان‌شمول، می‌توان میان اسلام و دموکراسی غربی حد مشترک گرفت: در طی توسعه این مفهوم در زمان حاضر، دموکراسی، کاربردها و بازبینی‌های بسیاری را از سرگذرانده و ما شاهد دموکراسی‌های لیبرال، مسیحی، اجتماعی یا رادیکال هستیم که به عنوان پیشوند به آن افزوده شده‌اند. اصول دموکراسی همچون مشورت، عدالت، آزادی دینی، حفظ حقوق افراد و اقلیت‌ها، رای مردم، جلوگیری از ظلم اقلیت یا اکثریت می‌تواند به عنوان نمونه‌هایی از ارزش‌ها یا اصول مشترک اسلام و دموکراسی، مورد حمایت قرار گیرد (Ibid, 18)؛ بنابراین، می‌توان گفت، اوقائل به نوعی دموکراسی اسلامی است که از این منظر نمی‌تواند با اسلام‌گرایی سیاسی تطبیق یابد.

اسلام‌گرایی سیاسی

گولن با مشروع دانستن بنیان حکومت سکولار و تطبیق آن با مفهوم شورای اسلامی ارتباط اسلام با سیاست را مخالف ماهیت اسلام می‌داند. از نظر او اسلام سیاسی با اقتدارگرایی پیوند دارد؛ بنابراین، نمی‌توان نظامی مشورتی از اسلام برپا کرد. او ضمن مخالفت با سبک حکومت ایران و عربستان با استادش موافق و همراه است که جمهوریت انطباق زیادی با مفهوم مشورت در منابع اسلامی دارد. نگرانی او از بابت حکومت‌های اقتدارگرایی است که با تحت کنترل درآوردن عقاید مختلف به اعمال خشونت برای رسیدن به قدرت روی می‌آورند (فلاح پیشه و ولدبیگی، ۱۳۹۲، ۱۰۳). از نگاه گولن، حکومت‌هایی که در ایران و عربستان به نام اسلام بر سرکارند، این توان را دارند تا با سوء استفاده از قدرت سیاسی دین را تحت سیطره خود درآورند؛ بنابراین، به اصل اسلام لطمه وارد شود. او بدون ملاحظه تفاوت ساختار سیاسی در ایران و عربستان هرگونه مدل حکومتی در ارتباط با اسلام سیاسی را صرف نظر از شکل ساختاری و نوع تفسیر و برداشت فقهی شان یکسره رد می‌کند.

گولن ضمن مخالفت با اسلام سیاسی، هیچ گاه با دولت‌ها تقابل نمی‌کند؛ بلکه حامی آن‌ها و ارتش نظامی‌شان است و معتقد است، حضور دولت‌ها آشوب را از جامعه برمی‌کند. از آن طرف نیز دولت ایده‌آل را دولتی می‌بیند که مردم را در عمل به دین، آزاد می‌گذارد و خود در دین دخالت نمی‌کند، اما در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی همچون خشونت یا مواد مخدر از قدرت دین بهره می‌برد (ایباف، ۱۳۹۵، ۹۸). در واقع، در زمینه حوزه فعالیت دین در اجتماع، گولن قائل به دخالت حداقلی در حوزه عمومی است. او خواهان آن

است، تا دخالت دین در حوزه عمومی را از مجرای فردی و دخالت دین در حوزه سیاست را با واسطه اخلاق پیگیری کند؛ بنابراین، جایگاهی مستقل برای دخالت مستقیم دین در عرصه سیاست را به رسمیت نمی‌شناسد؛ بلکه آن را از منظر اسلامی نیز مردود می‌شمارد. او نه تنها دین را امری شخصی و درونی می‌داند؛ بلکه از منظر وی، بهترین شیوه حکومت‌داری همان مراجعه به عقول بشری بر مبنای مقتضیات زمانی است (مجیدی و پیروفر، ۱۳۹۸، ۱۸۸). روش دخالت در سیاست در رویکرد گولن نیز به شکل حمایت از احزاب اسلام‌گرا و از طریق شرکت در انتخابات ممکن می‌شود (اختیاری و هاشمی، ۱۳۹۷، ۱۷۰)؛ به بیانی دیگر، او معتقد است، اسلام، تنها تحت لوای دموکراسی می‌تواند در سیاست حضور یابد، اما با توجه به حوزه فعالیت و قدرت عمل احزاب مسلط اعم از اسلام‌گرا و غیر اسلام‌گرا در بستر قواعد سکولار، این میزان از دخالت با عدم حضور دین در سیاست تفاوتی نمی‌کند. گولن به دلایل مختلفی با اسلام سیاسی مخالفت ورزیده و در این راستا گاه به آن اتهام اسلام ایدئولوژیک می‌بندد. با این حال، برخی معتقدند، او بر خلاف اظهاراتش مبنی بر عدم استفاده ابزاری و ایدئولوژیکی از دین، برداشت و تفسیری همواره محافظه کارانه از اسلام داشته است (نوازی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۶۶).

نسبت دموکراسی و جمهوری از نگاه گولن

گولن، اسلام را پایه‌گذار اصولی می‌انگارد که کاراکتر عمومی دولت را راهنمایی می‌کند و جهت می‌دهد، سپس آن را به مردم می‌سپارد تا نوع و شکل آن را مطابق زمانه و شرایط انتخاب کنند. مفهوم دموکراسی اسلام‌دوستانه گولن کلید فهم رویکرد او به روابط مقدس و سکولار است (Marty, 2015, 172). او میان تعریف دولت ایده‌آل از منظر اسلام و دیدگاه غربی تفاوت قائل است. از این منظر، دولت اسلامی انعطاف بسیاری در روش یا سبک حکومتی دارد، اما همه آن‌ها باید در امتداد ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد. او بهترین فرم حکومت را در زمان حاضر، جمهوری می‌داند و با ریشه‌یابی مشورت و امر شورایی به عنوان زیربنای مفهوم جمهوری در قرآن، به آن تقدس می‌بخشد: جمهوری به معنای حکومت بر اساس انتخابات شورایی و مردم است و اولین کتابی که آن را شرح می‌دهد، قرآن است. غلبه قدرت، گذراست، در حالی که غلبه عدالت و حقیقت ابدی است و گرچه اکنون چنین چیزی وجود ندارد، اما در آینده پیروزی با عدالت و حقیقت خواهد بود (Gulen, 2005a, 89).

سرمایه‌داری اسلامی به مثابه الگوی اقتصاد اسلامی

گولن اندیشه عدالت اجتماعی را بر مفهوم خدمت استوار می‌سازد. خدمت، کلید واژه فهم او از دین با نیت رضای الهی و در راستای تاملات انسان‌دوستانه است که نقش دین در اجتماع را مشخص می‌کند. او رستگاری معنوی فرد را به رستگاری مادی دیگران و خدمت به دنیای مادی سایر انسان‌ها گره می‌زند و آن را هدف خلقت انسان‌ها معرفی می‌کند. از این منظر، مؤمنان نباید به دنیای خود و دیگران بی‌توجه باشند، حتی اگر ریاضت‌های شخصی و زندگی زاهدانه برای آن‌ها اولویت دارد، توجه به رفاه و آسایش دیگران علاوه بر نقشی که در رستگاری معنوی فرد زاهد دارد، از آسیب‌های اجتماعی در جامعه جلوگیری می‌کند.

گولن تجارت آزاد و سرمایه‌داری را به فرهنگ سخاوت ترکی-اسلامی پیوند می‌دهد و از آن با عنوان خدمت به دیگران و خداوند نام می‌برد (ایباف، ۱۳۹۵، ۹۰). به همین جهت، توسعه اقتصادی را برای خوشبختی معنوی جامعه ضروری می‌داند. از نظر گولن، اسلام، بیش از آنکه در رابطه با عقیده باشد درباره عمل و رفتار است. فهم او از اسلام معاصر بسیار شبیه به تاکید کالونیست بر کار و عمل است. گولن حوزه‌های اقتصاد و مذهب را با هم می‌آورد تا جنبه‌های مخرب بازار را کنترل کند. هدف از این فعالیت‌های اقتصادی بیش از هر چیز رضای خداست نه رستگاری شخصی (Yavuz, 2013, 121)، اما تفاوتی نیز در این میان وجود دارد. فعالیت اقتصادی در نگرش وی، با هدف خدمت به خلق و انسانیت انجام می‌گیرد و در اینجا رویکرد او از کالونیسم متمایز می‌شود. مطابق این دیدگاه، نقطه اتصال اقتصاد و مذهب در هدفی نهفته است که در مفهوم خدمت وجود دارد و فعالیت اقتصادی حول محور آن صورت می‌گیرد.

از منظر گولن، فعالیت اقتصادی باید با نیت خدمت به انسانیت، اجرای عدالت اجتماعی و رفع معضلات جامعه صورت گیرد و در این باب، مومنان وظیفه اخلاقی دارند تا سهم خود را در ساخت جامعه ایده‌آل و مرفه ایفا کنند. او با تاکید بر ریاضت‌مندی و قناعت زاهدانه، سبک زندگی متفاوتی را برای پیروانش خواهان است. اقتصادی که گولن بر آن تاکید دارد، ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی نتولیرالیسمی و اسلامی است. وی می‌خواهد تا مسلمانان سرمایه خویش را در راه مصالح و منافع عمومی همه افراد جامعه به ویژه فقرا هزینه کنند. آنچه نباید مورد غفلت قرار گیرد، آن است که، مطابق اصول سرمایه‌داری، آنچه به تولید در نظام سرمایه‌داری جهت می‌دهد، نیاز به مصرف است. مبادله، با وجود بازار، پیوند مستقیم دارد و می‌تواند به خودی خود به سرمایه‌داری ختم شود؛ زیرا تولید در اقتصاد سرمایه‌داری با نیاز به مصرف و میل به سود

بیش تر دنبال می‌شود (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵، ۱۵۵)؛ به عبارتی، حمایت از سرمایه‌داری مستلزم حمایت از مصرف‌گرایی است و نظام سرمایه‌داری بدون مصرف، دوام نمی‌آورد. نمی‌توان همزمان به سرمایه‌داری مهر ورزید، اما قطب مکملش را به نقد کشید.

اخلاق اسلامی گولن بستری را برای افزایش روح سرمایه‌داری در ترکیه ایجاد می‌کند. گولن با ویر تفاوت دیدگاه دارد و بر خلاف نظرات او در کتاب «پروتستانیسیم و روح سرمایه‌داری» اسلام را در مخالفت و دشمنی با عقل‌گرایی و یا کاپیتالیسم نمی‌بیند؛ بلکه سنت دینی قابل انعطافی می‌انگارد که تفاسیر متنوع را در درون متن اجتماعی و آموزه‌هایش پذیراست. این اسلام برای ساخت تمدنی بر اساس تجارت، علم و تحصیلات آمده است. از نظر گولن، رابطه ذاتی میان سبک زندگی ریاضت‌مندانه یا مرتاضانه و فرم کاپیتال از فعالیت اقتصادی وجود دارد. اگرچه، پروتستانیزم کردن اسلام هدف وی در ترکیه نیست، اما پیامد پیکربندی لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی و فرصت‌های اقتصادی است. گولن با تفسیر مجدد اسلام، انگیزه اخلاقی و فرهنگی لازم را برای بومی‌سازی کاپیتالیسم مدرن فراهم کرد تا جامعه‌ای پیشرفته از ترکیه بسازد (Yavuz, 2013, 118). او برخلاف سلف صوفی خود، مال اندوزی را در مغایرت با ترک دنیا نمی‌بیند؛ بلکه مشوق سبکی از زندگی است که با احکام اقتصادی اسلام وجهه‌ای اخلاقی می‌یابد. خمس، زکات، صدقه و انفاق روش‌هایی هستند که می‌توانند سبک زندگی مدرن را به جهتی معنوی‌تر تغییر دهند و جهانی انسانی بسازند.

اقتصاد می‌تواند پسوندهای مختلفی همچون اخلاقی، اومانستی، اسلامی، ایدئولوژیکی و... بگیرد، اما تنها اقتصاد دستوری می‌تواند توصیه‌های اخلاقی بدهد و البته این توصیه‌ها با اراده افراد امکان عملی شدن می‌یابند و هرگز نمی‌توان کسی را مجبور به انجام رفتار اقتصادی خاصی کرد، به عنوان مثال، می‌توان در جامعه‌ای اسلامی افراد را توصیه به قناعت و صرفه‌جویی کرد و افراد می‌توانند از عمل به این توافقی سرباز زنند (کیانی، ۱۳۸۸، ۲۳۸). گولن نیز تنها در حوزه اقتصاد دستوری اعمال نفوذ کرده و اسلام را در قالبی از گزاره‌های اخلاقی به جامعه ارائه می‌کند. در رویکرد او، دین امری شخصی است و رعایت دستورات و احکام دینی نیز باید خارج از نظارت دولتی و با اراده فردی صورت گیرد. سرمایه‌داری اسلامی گولن که به موجب سنتز نتولیرالیسم و فرهنگ ترکی - اسلامی سخاوت حاصل می‌شود، تفسیری نوین از الگوی اقتصاد اسلامی می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ما با یک تغییر از اسلام دیگر - جهانی به اسلام این - جهانی روبرو هستیم که پاداش و مجازات را به قبرستان و آن سوی آن محدود نکرده است (Yavuz, 2013, 123). بر این اساس،

او مدعی است، مادامی که پول در راه منفعت رسانی به کشور مصرف نشود، یک میل محض است (Sevindi, 2008, 79).

آموزش سکولار؛ تلفیق علم مدرن و اخلاق اسلامی

گولن تحصیلات جدای از اخلاق؛ بلکه تحصیلات جدای از ایمان دینی را عبث می‌داند. از منظر او محصلان به دانش بدون ایمان نیز افرادی هستند که باید در فضیلت‌مندی آنها تشکیک کرد: مهم‌ترین مبنا برای اخلاق‌مداری، ایمان و اصول عقیده است. اگر کسی بر اساس عقیده‌اش عمل نکند، آن عقیده تنها یک تفکر می‌شود (Gulen, 2012, 3). گولن منظور از عقیده طبق اصول قرآنی را اینگونه اظهار می‌دارد: عقیده به خدا، آخرت، کتاب‌های مقدس، بهشت و جهنم، اصول مهمی هستند که باعث ارتقای نظم در زندگی‌هایمان و رسیدن به سطح فرشتگان می‌شود. در صورت وجود افراد مومن، می‌توان انتظار جامعه‌ای قوی و ملتی خوب داشت (Ibid, 4) و در سایه الگوی آموزشی متناسب، فهم درست از چگونگی احترام به یکدیگر در سطح جهانی به‌دست خواهد آمد. آموزش، باعث اصلاح نظام تربیتی خانواده و در سطحی کلان‌تر یعنی جامعه می‌گردد (نوروزی، ۱۳۹۶، ۴۸).

گولن، آموزش و تربیت افراد مومن در جامعه را به خانواده برمی‌گرداند. از نظر او نقطه شروع تحصیلات بر طبق آیات و روایات اسلامی ازدواج سالم و تشکیل خانواده است: در واقع دستیابی به یک جامعه کامل از خانه و خانواده و با ازدواج سالم آغاز می‌گردد. جامعه روشنفکر یا روشنگر تنها از این طریق به‌دست می‌آید (Gulen, 2012, 5). رویکرد محافظه‌کارانه گولن موجب می‌شود تا بر حفظ سنت‌های خانوادگی و فرهنگ دینی اصرار ورزد و دموکراسی خواهی را نیز در دایره حفظ این سنن مورد پذیرش بداند. به باور او، آموزش والدین زمانی تاثیرگذار خواهد بود که خود، آن‌ها را در عمل پشتیبانی کنند و به عرصه اجرا درآورند و همچون مثالی خوب برای آن‌ها باشند (Ibid, 33).

گولن با سبقت‌گیری از سایر تئوری‌پردازان در امر آموزش، جامعه عمل‌گرایی به فلسفه تعلیم و تربیتش می‌پوشاند و علاوه بر آن، از احادیث و آیات قرآنی برای اعتباربخشی به کلامش، یاری می‌گیرد. به عقیده گولن، تمامی نابهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی ریشه در آموزش بی‌کیفیت و ناصحیح دارد (نوروزی، ۱۳۹۶، ۴۹). او ضمن مخالفت با فلسفه مادی‌گرایانه، هدف از آموزش را رسیدن به خالق طبیعت و نه

شناخت طبیعت محض معرفی می‌کند. از نظر او آموزش علوم اسلامی در کنار علوم مدرن می‌تواند، دانش آموزان را به حقیقت‌نهایی وجود یعنی خدا متصل کند: اصول اسلام، بایستی در سطح فکری یکسان با علوم مدرن به دانش‌آموزان آموزش داده شود و بر خلاف ماتریالیست‌ها از علوم برای اثبات و فهم خدا کمک گرفته شود. این امر فایده دیگری نیز در بردارد و آن، این است که به واسطه حمایت تحلیل تجربی از منطق، از در افتادن بچه‌ها در دام فلسفه محض و شکاکیت در سال‌های آینده‌شان جلوگیری می‌کند (Gulen, 2012, 100).

گولن در بحث تحصیلات و آموزش دو نوع قرآنی و غیرقرآنی را مد نظر می‌گیرد و جامعه ایده‌آل خود را بر مبنای قرآن و آموزش قرآنی تعریف می‌کند. او بر مبنای تحصیلات قرآنی، جامعه را متشکل از افراد خوشبختی جامعه را به خوشبختی افراد آن مرتبط می‌داند (Ibid, 115). به باور گولن، هدف از تحصیلات غیر قرآنی سودمحوری و نفع مادی است و به همین خاطر، ماتریالیست‌ها درکی از قرآن و ایمان ندارند و نمی‌توانند سخن کسانی را که دم از حقیقت می‌زنند بفهمند (Ibid, 120). از این نقطه نظر، تحصیلاتی که با هدف شناخت خالق جهان و علت العلل صورت نگیرد، با سودجویی همراه خواهد بود و به حقیقت متصل نخواهد شد. چنین تحصیلاتی مولد ایدئولوژی‌های مختلف مادی‌گرایانه خواهد بود که تکیه گاه توسعه قدرت‌های مادی و خشونت‌ورزی و رفتارهای غیر انسانی می‌شود: نوع نظام اجتماعی مورد تایید درس‌آموختگان تحصیلات غیر قرآنی، نژادپرستانه و بعضی اوقات کمونیستی است و هدفشان اتحاد جوامع بر اساس این روابط است. ایدئولوژی مورد نظر آن‌ها برای حذف سایر ایدئولوژی‌هاست. مثل نازیسم، فاشیسم یا کمونیسم که تاریخ عواقب‌شان را برای دیگران در جنگ‌های جهانی اول و دوم نشان می‌دهد. هر سیستم فکری، آموزشی یا فلسفی و اجتماعی که بر حقیقت ابتدا نداشته باشد، مسلماً بر قدرت تکیه دارد و قدرت به دلیل عدم احترام به ارزش‌های انسانی یا حقوق انسانی با خشونت رفتار می‌کند (Ibid, 121).

با این حال، به نظر می‌آید در عمل، او از موضع خود عقب‌نشینی کرده و علی‌رغم نظری درباره آموزش علوم اسلامی در تلفیق با علوم مدرن در مدارس، در مدارس منتسب به جنبش وی، آموزش علوم اسلامی به صورت مستقیم صورت نمی‌گیرد و تنها به آموزش اخلاق اسلامی در رویکرد عملی معلمان و کادر مدرسه بسنده می‌شود. در حقیقت، با جهانی‌شدن گفتمان وی و تاسیس مدارس گولن در سطح جهانی، او وجه اسلامی تحصیلات را کنار می‌گذارد و از تحصیلات قرآنی به تحصیلات اخلاق مدار روی می‌آورد. ایباف

نیز در این زمینه می‌گوید: گولن در ابتدای گفتمان خود بر وجه اسلامی تاکید داشت، اما به مرور زمان و با گسترش آن در سطح جهانی و در میان غیر مسلمانان، بر مولفه‌های سکولار و انسان‌دوستانه مانند آموزش با کیفیت و ارزش‌های اخلاقی جهانی یا گفتگو اصرار می‌ورزد، اما در سطح فردی اسلامی باقی می‌ماند. با این حال، گفتمان او یک گفتمان اجتماعی سکولار است (ایباف، ۱۳۹۵، ۱۰۲). در مجموع می‌توان گفت، فلسفه آموزش گولن، به لحاظ معرفت‌شناختی، سنتزی از قلب و ذهن و یا سنت و مدرنیته و معنویت و عقلانیت در تعریف آموزش ایده‌آل ارائه می‌دهد (Hunt & Aslandogan, 2007, 35). که با رویکرد معرفتی علوم اسلامی سنتی در تعارض قرار می‌گیرد.

علم و دین

گولن با تفسیرهای سراسر پوزیتیویستی از قرآن مخالفت می‌ورزد و آن را سبک شمردن آیات قرآن می‌داند: امروز بسیاری از افراد در تلاش برای برقراری ارتباط بین قرآن و مسائل و پیشرفت‌های علمی هستند (Gulen, 2006, 99). به جای تفسیر قرآن تحت پدیده معین و با زبان غیرقرآنی، هر چیزی را باید در میان متن قرآنی و به‌وسیله دانش لغوی و قواعد زبان عربی و ملاحظه موقعیت نزول آیه تفسیر و ارزیابی کنیم. بهترین تفسیر قرآن در طول تاریخ را اصحاب پیامبر و مفسران اولیه انجام دادند (Ibid, 100). گولن استفاده از قضایای علمی قرآن برای اثبات حقانیت دین اسلام را رد نمی‌کند، با این حال، معتقد است، همه این‌ها باید با اولویت و ترجیح دین بر علم صورت گیرد و نه آن که حقانیت قرآن با معیار علم روز بررسی شود که مصون از خطا نیست: استفاده از قضایای علمی قرآن برای اثبات حقانیت دین خارج از اشکال است، با این حال، همه اینها باید در چارچوب روح قرآنی صورت گیرد و نه آن که قرآن را با پیشرفت‌های علمی روز تطبیق دهیم که ممکن است، روزی خطا بودن آن آشکار شود. علم تا جایی که با قرآن مخالفت نکند درست و صحیح است (Ibid, 108).

لحاظ داشتن توانان فیزیک و متافیزیک از توصیه‌های دیگر فتح الله گولن در تفسیر مدرن از قرآن است. او در باب بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی دانش در جوامع اسلامی نکاتی حول محور هدف و وسایل رسیدن به آن عرضه می‌دارد که بدون ملاحظه آن‌ها انتقال دانش عملاً صورت نگرفته است: هر آنچه تنها از منظر مادی مورد ارزیابی قرار گرفته نیاز به بازنگری بر اساس تقوای اسلامی و رویکرد قرآنی دارد. در این زمینه، عده‌ای از انتقال یا اسلامی‌سازی دانش سخن می‌گویند که همانند پوشیدن لباس قرضی، هدایت‌گری با رویکرد

معیوب است. آنچه که اکنون نیاز داریم شورایی از اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علمی است که با شوق رسیدن به حقیقت و به وسیله متدولوژی الهیات قرآنی به تفسیر و بازنگری در نظریه‌های موجود بپردازند و تنها بعد از تایید چنین آگاهی جمعی می‌توان این نظریات را در زمره ادبیات دینی محسوب نمود (Gulen, 2014, 95).

گولن منابع دسترسی به علم را گسترش می‌دهد و علاوه بر حواس پنجگانه و عقل، دانش عرفی و وحی را نیز تحت عنوان روایت معتبر، منبع معتبر دیگری برای دستیابی به علم معرفی می‌کند: بر طبق رویکرد اسلامی، سه نوع منبع برای دستیابی به حقیقت و علم وجود دارد. اول، حواس پنج‌گانه که پوزیتیویست‌ها تنها به این منبع اعتبار می‌نهند. دوم ذهن بی‌طرفانه یا عاری از تعصب که عقل‌گرایان یا راسیونالیست‌ها به عنوان منبع معتبر به آن توجه دارند (Gulen, 2005b, 125). منبع سوم، روایت معتبر است که به دو روش فهم می‌شود: به عنوان دانش پذیرفته شده در میان مردم و دوم به واسطه وحی الهی که شامل کتب الهی پیامبران آشکار گشته‌اند. در این صورت به ثمره حقیقی علم دست می‌یابیم (Ibid, 126). از نظر گولن، در صورتی که به وحی به عنوان منبع مورد اعتماد توجه نشود، هر توضیحی در حد حدس و فرضیه باقی خواهد ماند (Ibid, 127).

او با مثال زدن کشورهای چین و ژاپن در بومی‌سازی دانش متناسب جهان‌بینی خودشان، بومی‌سازی دانش بر طبق تفکر اسلامی را به این شکل شرح می‌دهد: انتقال دانش برای بهره‌بری بیشتر از علم است و مسلمانان نیز باید مثل کشورهای چین و ژاپن متناسب با جهان‌بینی خودشان علوم غربی را وارد کنند (Gulen, 2015, 75) و بعد از آن می‌توان به سمت ایده‌آلهایی رفیع‌تر پیش‌روی کرد. برخی به آن اسلامی‌سازی دانش می‌گویند. اما به نظر گولن واژه مناسب‌تر «دقیق مشخص کردن نقطه وحدت احکام فرمانهای مقتنه یا قانونی و خلاقیت به عنوان منابع علم» است. تفکر اسلامی نیاز به پویایی دارد که با انتقال دانش ممکن می‌شود و با عشق ورزی و اشتیاق به حقیقت می‌توان به رمز گشایی، فهم و تفسیر پدیده‌ها دست یافت. پس از آن لازم است تا فرصت برای تلاقی این دانش با ارزش‌های مان ایجاد شود تا با آن‌ها انطباق یابد. انتقال دانش با تطبیق تفاوت مفهومی دارد و به عبارتی فرایند انتقال چیزی غیر از فرایند تطبیق است. در صورت انطباق، بایستی هر چیزی را با طبیعت صحیح خویش و در راستای عمل خطی با هدف الهی‌شان در خلقت فهمید و در این زمینه قرآن به عنوان مفسری درخشان انسان را یاری می‌کند (Ibid, 76). سپس باید

اولویت‌بندی در یادگیری صورت گیرد تا بر اساس جهان فکری مان بنیانی را تاسیس نماییم. منابع دین شامل قرآن، سنت، اجماع، قیاس و تا حدی عرف می‌شود (Ibid, 226).

از منظر گولن، فلسفه فکری غرب مبتنی بر ماتریالیسم است و عاجز از درک متافیزیک به فهم تجربی از پدیده‌ها محدود می‌شود: تمدن غربی مبتنی بر تثلیث تفکر یونانی، قانون رومی و مسیحیت حداقل در بعد معنوی یا تئوریک است. غرب، نتوانست بین تفکر افلاطونی و فلسفه عقلی و پوزیتیویستی ارتباط برقرار کند، اما هرگز به طور کامل از آن دست نکشید (Gulen, 2009b, 148). روشنفکران مسلمان نیز با بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی سنتی به شعارهایی مثل روشنفکری، غربی‌گرایی، تمدن، مدرنیته و پیشرفت پرداختند و بعد متافیزیکی را نادیده گرفتند (Ibid, 149) و به همان اشتباه دانشمندان غربی دچار شدند. او اجماع دانشمندان را نیز در این وحدت رویه می‌داند: بیشتر دانشمندان مشهور تناقض بین علم و دین را نقد کرده‌اند و می‌گویند، علم مدرن بدون دین کور است و دین بدون علم، لنگ (Gulen, 2005a, 49). در واقع، اسلامی‌سازی دانش در نگاه گولن، در نتیجه تلفیق علم مدرن با دین و بازبینی نظریه‌های جدید به وسیله روش‌شناسی دینی و با کمک منابع اسلامی در کنار منابع پوزیتیویست‌ها و راسیونال‌ها ممکن خواهد بود. در این صورت، می‌توان از حمایت و هدایت علم توسط دین سخن گفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با مروری بر اندیشه‌های فتح الله گولن به این مهم رهنمون شدیم، آنچه از تلفیق اسلام و مدرنیته در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و آموزش حاصل می‌شود، در واقع توسعه اسلام لیبرال خواهد بود که مدرنیته را برخلاف رویکرد آتاتورکی به شیوه‌ای از پایین به بالا و در سطح اجتماع مردمی بومی می‌کند. گولن با نگاهی گزینشی و حداقلی به اسلام، با اسلام سیاسی و تشکیل دولت اسلامی مخالفت می‌ورزد. او مدعی است، اسلام با سیاست، کاری ندارد و بر اساس اصل دموکراسی، امور سیاسی را به مردم واگذار کرده است. در تبیین دینی دموکراسی، گولن به مفهوم شورا چنگ می‌زند و آن را معادل دموکراسی غربی قرار می‌دهد. گولن با رد نسبت اسلام و سیاست، در واقع به سکولارسازی دولت در درون جامعه مسلمانان رای می‌دهد. در حکومت اسلامی، دین هم در قانون‌گذاری، هم در اجرا و هم در مرحله نظارت بر جاری شدن احکام اسلامی در جامعه مرجعیت دارد. لکن طرد حکومت دینی در فلسفه فکری او به فروکاهش نقش دین به امر اخلاقی و نه قانونی در جامعه منجر می‌شود که در نهایت مبنای نظم‌دهی در جامعه مورد نظر گولن اسلام نخواهد

بود. در فقدان دولت اسلامی، فروکاهش دین به امر اخلاقی و عجز و ناتوانی آن در اداره امور دنیوی افراد و تاکید او بر دموکراسی غربی به تاسیس جامعه‌ای تکثرگرا و سکولار می‌انجامد که خواست مردم بر خواست الهی ارجحیت می‌یابد. او مشروعیت حکومت سکولار را به واسطه قلب و تحریف مفهوم شورای اسلامی و تطبیق آن با مفهوم دموکراسی غربی بنیان‌گذاری می‌کند.

در حوزه اقتصاد نیز از الگوی سرمایه‌داری برای رفتار اقتصادی مسلمانان حمایت می‌کند و بر ثروت‌اندوزی آنان تاکید دارد، اما با یک تغییر جهت در هدف از انباشتن ثروت مسیری را طراحی می‌کند که به سنتز میان اقتصاد سرمایه‌داری و مذهب اسلامی بدل شود. گولن، هدف از ثروت‌اندوزی را خدمت به خلق یا به عبارتی انسانیت معرفی می‌کند. او با افزودن احکام اسلامی انفاق، خمس، زکات و... به اقتصاد سرمایه‌داری خواهان ساختن نسخه‌ای تلفیقی با عنوان سرمایه‌داری اسلامی است که گرچه در قواعد تولید و مالکیت از احکام سرمایه‌داری تبعیت می‌کند، اما در حوزه توزیع، تابع احکام اسلامی می‌شود و به این واسطه سرمایه‌داری در خدمت انسانیت و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه درمی‌آید. رویکرد گولن به موضوع اقتصاد موجب می‌شود تا افتراقی که در ریشه لذت‌جویانه و سودمحورانه سرمایه‌داری و سیستم بازار آزاد به افتراق اقتصاد و اخلاق منجر شده بود، به پیوند مجدد اقتصاد و اخلاق ختم شود. به نظر می‌رسد دو اشکال درباره این دیدگاه گولن مطرح می‌شود: اول آنکه این پیوند تنها در محدوده حوزه توزیع رخ داده و صرفاً عدالت توزیعی را لحاظ می‌کند. عدم توجه به اخلاق در حوزه تولید و مالکیت سرمایه‌داری و تاکید افراطی آن بر فلسفه فایده‌گرایانه و سودمحورانه موجب بسیاری از آسیب‌های اخلاقی ناشی از عدم توجه به حقوق انسانی دیگران از جمله کارگران و یا مصرف‌کنندگان، آسیب‌های محیط زیستی، احتکار و... گردیده است که بی تفاوتی و نادیده گرفتن آن به نقص در اجرای عدالت منجر و منافی رویکرد گولن به خدمت و انسانیت می‌گردد که جریان فکری او داعیه دار آن است. دوم آنکه در اندیشه او گزاره‌های اقتصادی اسلام به گزاره‌های اخلاقی بدون پشتوانه قانونی تقلیل یافته‌اند که قدرت دین در اجرای عدالت و کمک به انسانیت مدنظر گولن را فرو می‌کاهد. گولن از این مهم چشم‌پوشی می‌کند که اجرای عدالت تنها با پشتوانه یک قدرت برتر قانونی، اجرایی و قضایی امکان‌پذیر است. این قدرت برتر در حمایت از عدالت اقتصادی و اجتماعی تنها دولت است و دولت سکولار نمی‌تواند پشتوانه احکام و قواعد اقتصادی اسلامی و ضامن عدالت اجتماعی اسلام باشد؛ به عبارت دیگر، عدالت شرط حکومت اسلامی است.

گولن در انطباق اسلام با سرمایه‌داری، ثروت‌اندوزی را یک هدف معرفی می‌کند، لکن به عنوان هدفی میانی. غایت در اندیشه گولن بخشش و خدمت است. اما آیا غایت نهایی در اسلام خدمت است؟ آیا گره زدن سعادت اخروی انسان‌ها به خدمت و محدود کردن خدمت به سعادت و تامین رفاه مادی سایر انسان‌ها، غایت نهایی اسلام است؟! به نظر می‌آید، در اندیشه گولن نه تنها نقش دین در عرصه اجتماع محدود به قواعد اخلاقی می‌شود؛ بلکه در سطح فردی نیز، خدا را در انسان و خدمت به او محدود می‌کند. گولن نمی‌تواند غایتی بالاتر به عنوان غایتی که دین برای آن نازل گشت و پیامبران به سبب آن حکومت الهی تشکیل دادند جستجو کند. او در انتقاد به اسلام سیاسی و تشکیل حکومت سیاسی، مدعی است که در صورت بد اجرا شدن، می‌تواند به اصل اسلام ضربه زند، اما خود از این موضوع غفلت می‌کند که اسلام سکولار او می‌تواند ضربه‌ای سهمگین‌تر بر ماهیت حقیقی اسلام فرو آورد.

در موضوع آموزش و فلسفه تعلیم و تربیت، گرچه گولن با انتقاد به روند کنونی دانش در جوامع اسلامی به اتحاد فیزیک و متافیزیک رای می‌دهد و از تولید دانش بومی شده با هویت اسلامی حمایت می‌کند، اما به دلایلی چند در سیستم آموزشی مورد تایید او، به آموزش علوم سکولار در مدارس تن در می‌دهد و از آموزش مستقیم منابع دینی امتناع می‌شود. یکی از مسائلی که در این باب مطرح می‌شود، آن است که با گسترش گفتمان او در سطح جهانی محتوای اسلامی آن کم‌رنگ می‌شود و به جای آن بر مفاهیم انسانیت و اخلاق به عنوان اصول معنوی تاکید بیشتری می‌شود. علاوه بر این، آموزش در رویکرد گولن با مسئله دیگری نیز مواجه می‌شود و آن سیطره دولت‌ها بر امر آموزش، محتوای آموزشی و سیستم مدارس در جوامع مسلمان و غیر مسلمان است. اعتقاد به علم دینی و بازگشت به گذشته علمی مسلمانان تنها با حمایت و نظارت حکومت اسلامی ممکن می‌شود و در غیر این صورت، نقش دین در سیستم تعلیم و تربیت به همان آموزش اصول اخلاقی از طریق عملکرد کادر آموزشی و معلمان محدود می‌شود.

فهرست منابع

۱. اختیاری میاب، مهدی و هاشمی، سید عباس، (۱۳۹۷)، «علل و دلایل شکل گیری، تداوم و گسترش جنبش گولن»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱.
۲. اییاف، رز هلن، (۱۳۹۵)، جنبش گولن؛ تحلیلی جامعه شناسانه از جنبشی مدنی که ریشه در اسلام میانه رو دارد، ترجمه فیروزه درشتی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳. تفضلی، فریدون، (۱۳۹۹)، تاریخ عقاید اقتصادی؛ از افلاطون تا دوره معاصر (از ۶۹۹ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ میلادی)، تهران، نشرنی.
۴. توسلی، غلامعباس، (۱۳۹۸)، جامعه شناسی و آموزش و پرورش: دیروز، امروز، فردا، تهران، نشر علم.
۵. جاوید، محمد جواد، (۱۳۹۱)، روش تحقیق در علم حقوق به زبان ساده. تهران، نشر مخاطب.
۶. جوان آراسته، حسین، (۱۳۷۹)، مبانی حکومت اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی.
۷. حافظ، قادر و دیگران، (۱۳۹۸)، «تاثیر عرفان نورسی بر اسلام اجتماعی ترکیه با محوریت اندیشه‌های فتح الله گولن». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جستارهای سیاسی معاصر، فصل نامه علمی، سال ۱۰، شماره ۳.
۸. سوندبرگ، ریچارد و گرانووتر، مارک، (۱۳۹۵)، جامعه شناسی اقتصادی: ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تپسا.
۹. طالبی، امین، (۱۳۹۳)، «تفکرات سیاسی - اجتماعی فتح الله گولن و تاثیر آن بر جریانهای اسلامگرای ترکیه با تاکید بر «حزب عدالت و توسعه»»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، گروه علوم سیاسی.
۱۰. فلاح پیشه، حشمت الله و ولدبیگی، صفر، (۱۳۹۲)، «آثار فکری گولنیسم و جنبش نور در سیاست و حکومت ترکیه»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ۲، شماره ۶.
۱۱. کیانی، نیما (گردآورنده)، (۱۳۸۸)، اخلاق سیاسی (مجموعه مقالات، گفت و گو و ترجمه). تهران، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان. تهران، نشر نی.
۱۳. مجیدی، حسن و پیروفر، مهدی، (۱۳۹۵)، «دین و دولت در اندیشه فتح الله گولن بر اساس چارچوب

- تحلیلی اسپرینگز»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۲.
۱۴. مجیدی، حسن و پیروفر، مهدی، (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی جنبش اخوان المسلمین مصر و جنبش فتح الله گولن»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ۸، شماره ۲۹.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۸)، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. مطلبی، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، «رابطه اسلام و دموکراسی در اندیشه فتح الله گولن و مهدی بازرگان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۷. موثقی گیلانی، سید احمد و نیری، هومن، (۱۳۸۹)، «اسلام میانه رو و دموکراسی در ترکیه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۵.
۱۸. نش، کیت، (۱۳۹۹)، جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
۱۹. نوازی، بهرام و دیگران، (۱۳۹۳)، «فتح الله گولن و جنبش اجتماعی - سیاسی وی در ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)، سال ۳، شماره ۱۰.
۲۰. نوروزی فیروز، رسول، (۱۳۹۶)، «الهیات اجتماعی و تمدن اسلامی (بررسی آرای محمد فتح الله گولن درباره تمدن اسلامی)». فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، سال ۲۲، شماره ۴.

21. Cingillioglu, S. 2017. *The Gulen movement; transformative social change*. Fawaz, G. A. & Hashemi, N (Ed). Middle East Today. Published by Springer Nature.
22. Gulen, M. F. 2009. *Essays, perspective, opinions*. Compiled by Tughra Books. New Jersey: Tughra.
23. Gulen, M. F. 2005. *Pearls of wisdom*. Translated by Unal, A. New Jersey: Light.
24. Gulen, M. F. 2012. *A guide for muslim families: from seed to cedar, nurturing the spiritual needs in children*. Translated by Kose, A and Altay, K. New Jersey: Tughra.
25. Gulen, M. F. 2014. *Journey to noble ideas; droplets of wisdom from the heart*. Translated by Altay, K. New Jersey: Tughra.

26. Gulen, M. F. 2006. *Questions and answers about Islam (Vol.1)*. Translated by Cetin, M. New Jersey: Light.
27. Gulen, M. F. 2005. *Questions and answers about Islam (Vol.2)*. Translated by Cetin, M. New Jersey: Light.
28. Gulen, M. F. 2015. *Endeavor for Renewal; droplets of wisdom from the heart*. Translated by Altay, K. New Jersey: Tughra.
29. Gulen, M. F. 2009. *Toward a global civilization of love and tolerance*. Translated by Unal, M. & Others. New Jersey: Tughra.
30. Hunt, R. A. and Aslandogan, Y. A. 2007. *Muslim citizens of the globalized world*. New Jersey: Light.
31. Marty, M. E. 2015. *Hizmet means service; Perspective on an alternative path within Islam*. California: University of California press
32. Mercan, F. 2017. *No Return from democracy; A survey of interviews with Fethullah Gulen*. New Jersey: Blue Dome Press.
33. Nelson, C. 2005. *Fethullah Gulen; A vision of transcendent education*. New Jersey: Kean University
34. Sevindi, N. 2008. *Contemporary Islamic conversation; M. Fethullah Gulen on Turkey, Islam and the West*. Translated by Antepli, A. T. New York: Published by State University of New York Press.
35. Yavuz, H. 2013. *Toward an Islamic Enlightenment*. New York: Oxford University Press.